

حجت الاسلام سعیدی قائم مقام سازمان تبلیغات اسلامی:

برای تبلیغ دین سرمایه گذاری نمی کنند

بعد از ۲۰ سال فعالیت، سازمان کارنامه ای دارد که ارائه آن وقت زیادی را می طلبد اما من به عنوان نماینده مردم این جامعه که نگران فضای دینی این کشور هستم از شما که متولی تبلیغ دین این کشور هستید می خواهم این سؤال را بپرسم که چرا روحیه دینداری و گرایش به فضای مطهر اسلامی باگذشت زمان در این مملکت افزایش نمی یابد و حتی گاه با افول مواجه بوده است؟

بله! این مطلب بسیار مهم است. من واقعاً دوست دارم به کنه مطلب برسیم. ببینید که مشکل از کجاست؟ اگر ما مقوله فرهنگ دینی را با بهداشت و درمان قیاس بکنیم بنده قضاوت می کنم این است که نسبت ساز و کار فرهنگ دینی با نسبت امکاناتی که در بخش بهداشت و درمان بکار می رود نسبتش یک به هزار هست. یعنی مدیریت دینی و حکومت دینی در بخش فرهنگ سرمایه گذاری نکرده که ما بتوانیم راندمانی نشان بدهیم.

قبول ندارید بخش زیادی از بودجه اختصاص یافته هم صرف همایشها و برنامه هایی می شود که آثار قابل توجهی در جهت رشد فرهنگ دنیا نداشته است؟
نه، مگر چقدر هزینه صرف همه نهادهای متکفل بخش فرهنگ دینی می شود، سازمان تبلیغات اسلامی، ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر، ستاد اقامه نماز و دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم همه بودجه هایشان یک سوم نهضت سوادآموزی هم نمی شود. چه بودجه ای؟ اصلاً بودجه بخش فرهنگ دینی نسبت به بقیه بودجه کشور اصلاً قابل بحث نیست، یعنی هیچ ماشینی، هیچ کامپیوتری نمی تواند محاسبه بکند درصد این بودجه را نسبت به بودجه سایر بخشهای دیگر، در بخش امنیت ما چقدر هزینه می کنیم؟ در بخش بهداشت و درمان چقدر ما هزینه می کنیم؟ در بخش آموزش عالی چقدر هزینه می کنیم؟ من به شما امار می دهم، ما در طول بیست سال پنج میلیون فارغ التحصیل داشتیم و ظرفیت پذیرش دانشجوی در بخش آموزش عالی دولتی و غیر دولتی سیصد هزار نفر است. اما شما می دانید ظرفیت پذیرش دانشجوی طلبه در کل کشور از پنج هزار نفر تجاوز نمی کند یعنی کل حوزه های علمیه سراسر کشور قدرت جذب بیشتر از پنج هزار نفر را ندارند. شما چطور می خواهید قیاس بکنید پنج میلیون فارغ التحصیل را با سیصد هزار نفر از ظرفیت پذیرش با چهار هزار، پنج هزار ظرفیت کارشناس دینی.

یعنی استراتژی شما برای تبلیغ دین کاملاً تبیین شده است، یک برنامه قوی برای رسیدن به هدف مورد نظر داریم و فقط منتظر رسیدن بودجه هستید؟
تنها مشکل پول نیست، استراتژی ما در قانون اساسی اینگونه مشخص شده، حرکت رشد فرهنگ دینی با رشد توسعه اقتصادی و سیاسی به شکل متوازن یعنی اگر انسان ترکیبی است از روح و جسم، باید در همه برنامه ها پیوند بین دین و سیاست یک پیوند کاملاً هماهنگی باشد. قانون اساسی ما استراتژی نظام را در ساخت و تربیت انسان مشخص کرده اما از قانون اساسی

تبلیغات در جهان امروز قدرت عجیبی پیدا کرده است. به ابزارها و شیوه های مدرن مجهز شده و می تواند تأثیرات عمیقی در جوامع انسانی ایجاد کند. به عبارت بهتر سازمان تبلیغات در کجای جهان تبلیغات ایستاده است؟

تبلیغات غربی از ترس، طمع، شهوت و حب نفس کاملاً استفاده می کند اما در نگرش دینی چون هدف مقدس است ابزار و شیوه های تبلیغات هم باید حتماً مقدس و مورد تأیید باشد اما آنچه که سؤال شماست این است که آیا سازمان تبلیغات اسلامی در دست یابی به اهدافش موفق بوده یا نه؟ اولاً سازمان تبلیغات اسلامی جزئی از یک نظام دینی است، یعنی نظام دینی در درجه اول مسئولیت اصلاح ساختار فکری را به عهده دارد بعد وقتی ساختار فکری اصلاح شد در رفتار و کردار و عادات و رسوم جامعه هم تأثیر می گذارد این ساز و کار خودش را می طلبد. یعنی ماهیت نظام در راستای اصلاح جامعه طراحی شده برای اصلاح یک دنیای مناسب بعنوان مقدمه آخرت.

اما اینکه سازمان تبلیغات اسلامی موفق بوده یا نه موفقیت یک نهاد و یا یک فرد ترکیبی است از چهار مؤلفه: اختیارات، امکانات، فرصتها و توانمندیها. سازمان تبلیغات و هر بخشی توفیقات بسیار بالایی داشته است مثلاً در بخش فرصتها حداکثر استفاده را از اعتماد مردم به عمل آورده و توانسته در حدی پاسخگوی نیاز جامعه باشد. یعنی در حد وسعش توانسته ارتباط منطقی و معقولی را با مردم برقرار کند. فرض کنید که اگر بنا بوده در کشور ما سی و هشت هزار مرکز روستایی داشته باشیم که بیش از بیست خانوار جمعیت دارد اگر بنا بوده بهداشت و درمان سی و هشت هزار تکنیسین بهداشت و درمان آنجا مستقر بکنند متناسب با توانش، بیش از هزار تا

نتوانسته عمل بکنند ما این کار را کردیم یعنی ظرفیت ما برای استقرار سی و هشت هزار کارشناس دینی بوده اما این امکان را نداشتیم توانستیم از هزار نفر استفاده بکنیم.

من یک نکته را عرض کنم، ببینید بالاخره

بر گزار نمی شد؟

ده درصد بوده این شده صددرصد، یعنی زمان شاه اصولاً سازمانی نبوده که بتواند مبلغین را سازماندهی بکند. این کار در حد بسیار محدودی انجام می گرفته ولی با توجه به مؤلفه ها و تغییراتی که در نظام جمهوری انجام گرفته، نحوه شناسایی مبلغ، تناسب مبلغ با منطقه محل تبلیغ با مخاطب و نحوه نگهداری از مبلغ

در آنجا، در گذشته چنین چیزی اصلاً امکان نداشته، کل کشور مجموعاً ده هزار روحانی بوده در گذشته و بتدریج اینها از روستا مهاجرت کردند یا از آنجا رفته اند. امروز با کمال تأسف در مجموع شصت و پنج هزار روستای ما فقط هشت درصد از روستاهای ما از روحانی برخوردار است، یعنی نود و دودرصد روستاهای ما فاقد کارشناس فرهنگ دینی است. شما سؤالتان اینست که قبل از انقلاب مردم یعنی بخش خصوصی نسبت به فرهنگ دینی فعالیت می کردند الان چرا نمی کنند؟ دقیقاً مردم چند برابر آنچه که قبل از انقلاب عمل می کردند امروز عمل می کنند. ولی با توجه به تغییراتی که بوجود آمده و پیشرفتی که در صنعت تبلیغات بوجود آمده امکانات مردم با ضریب چهل و هفت درصد مالیاتی که سالیانه باید پرداخت بکنند امکان پاسخگویی ندارند یعنی وقتی در کشور ما پنجاه و هفت هزار مسجد، پنجاه درصدش فقط فعال است. پنجاه درصد به علت نداشتن امام جماعت تعطیل است، از این پنجاه و هفت هزار مسجد بیست هزار تا از آن داشتن ضبط صوت محرومند در حالی که مساجد امروز ما باید به سیستم اینترنت مجهز بشوند به سیستم رایانه مجهز بشوند به سیستم ویدئو پروژکشن باید مجهز بشوند. بده مردم کمک می کنند ولی توان مردم نسبت به گذشته اگرچه افزایش پیدا کرده ولی نسبت به نیاز جامعه این توان در حد صفر است.

اگر فقط مسئله مساجد را بگیریم الان شش

نهاد از مرکز رسیدگی به امور مساجد تا سازمان تبلیغات، تا ستاد اقامه نماز و... متولی مسئله مساجد هستند برای این کار بودجه هم دریافت می کنند.

شش تا نهاد متولی مسجد، نسبت بودجه شان با فقط بودجه عربستان سعودی در بخش مساجد می دانید چیست؟ کل دستگاههای متولی مسجد اعتبارشان اعم از وزارت ارشاد، مرکز رسیدگی به مساجد و سازمان تبلیغات اسلامی از دو میلیارد تومان تجاوز نمی کنند. در حالی که فقط بودجه سال گذشته مساجد عربستان سعودی پانصد میلیارد تومان بوده. در حالیکه در عربستان میلیاردها دلار و ریال سعودی سرمایه اولیه زیر ساختار مساجد عربستان شده مساجد ما وقتی از امکان داشتن یک آمپلی فایر و یک ضبط صوت محروم است چگونه شما توقع دارید با دو میلیارد تومانی که کل دستگاه فرهنگی متولی مسجد دارند، بتوانند نیاز کسترده کشور ما را پاسخ بگویند. ببینید در یک شهری مثل ممسنی ششصد تا روستا هست، یکصد و هفتاد تا مسجد فقط وجود دارد یعنی چهارصدوسی تا روستا یک وجب جا برای نماز خواندن ندارند. شما با این دو میلیارد اصلاً امکان اینکه برای اینکه مثلاً یک سایه سر درست بکنید دارید؟

حالا از همین بودجه کمی که دارید به نحو

احسن استفاده می کنید؟ یعنی با برگزاری همایشهای مختلف که این روزها موسوم شده و فعالیتهای اینچنین این بودجه هدر نمی رود؟

ابدا چنین چیزی نیست ما از یک ریال بودجه صدتومان استفاده می کنیم یعنی ما داریم بخش خصوصی را سازماندهی می کنیم ما کمک مردم را فعال می کنیم ساختن دویست تا خانه عالم در مراکز دهستان

که می گذریم، مهمترین مشکل ما این است که سیستم اجرایی کشور با اهداف نظام و قانون اساسی سازگاری ندارد. یعنی قطعاتی در قانون اساسی ساخته شده که به هیچ عنوان به این سیستم هنوز پیوند نخورده است. اصل هشتم قانون اساسی، امکان پیوند زدن به سیستم اجرایی را ندارد. سیستم اجرایی ما - میراث زمان شاه است که این الگوی غربی، مدل غربی دارد. مدل غربی هم به انسان تک بعدی نگاه می کند، اصلاً ساز و کار وزارت ارشاد برای فعالیت فرهنگی ساخته نشده، وزارت ارشاد مجموعاً سی تا وظیفه دارد، وظیفه وزارت ارشاد نظارت و پشتیبانی از چند مقوله، فرهنگی است یعنی جهانگردی، در جهانگردی ماهیتاً عنصر فرهنگی وجود ندارد، میراث فرهنگی مأموریتش حفظ و حراست از میراث فرهنگی است اما اصلاً فعالیت فرهنگی به معنایی که ما داریم می گوئیم در اینجا مدنظر نیست، اصلاً نظارت بر اماکن در آن فعالیت فرهنگی وجود ندارد، نظارت بر فیلم خود وزارت ارشاد فیلم نمی سازد و نظارت بر فیلم می کند. وزارت ارشاد در مقوله کتاب نظارت بر کتاب می کند و مجوز نشر می دهد اما خودش کتاب چاپ نمی کند. در مقوله مطبوعات مجوز مطبوعات می دهد و نظارت بر مطبوعات می کند آن هم در جهت اینکه آن خطوط قرمز رعایت شود اما اصلاً با محتوا کاری ندارد وزارت ارشاد، در مقوله حج فقط زائر را از شهر می برد مکه و بر میگردداند و فرودگاه تحویلش می دهد کاری با فعالیت فرهنگی ندارد. درباره وقف هم همینطور است.

پس مشکل اول عدم تجانس سیستم اجرایی با اهداف قانون اساسی و دوم ضعف اساسی در نظام برنامه ریزی است، یعنی در نظام برنامه ریزی نود درصد سرمایه جمهوری اسلامی برای ساز و کار دنیای مردم یا اموری که به نوعی مربوط به دنیای مردم می شود معروف است، اگر به اندازه سونا و استخر مردم به آخرت آنها توجه می کردند وضع ما از این بهتر بود یعنی این حاکمیت و دولت باید یک فکری بکند، سازمان تبلیغات اسلامی یک چیزی از این نظام است که ماهیتاً فعالیت فرهنگی می کند ولی به علت اینکه آن ساز و کارهای اصلی مورد توجه قرار نگرفته سازمان تبلیغات اسلامی هم نقشش خیلی محسوس نیست. سازمان تبلیغات اسلامی فعال است کار می کند اما با یک عدد کولر نمی توان پنجاه اتاق را خنک کرد. برای پنجاه اتاق، پنجاه عدد کولر یا حداقل برای پنجاه درصد اتاقها را ما بیست و پنج تا کولر باید داشته باشیم. اما با یک کولر نمی توان پنجاه تا اتاق را خنک کرد، یک کشور با عظمت جمهوری اسلامی را شما با یک یا چند دستگاه فرهنگی نیم بند با یک سوم بودجه نهضت سوادآموزی نمی توانید پوشش دهید و بعد بگویند که این چرا پاسخگو نیست؟

شما موضوع را کلان کردید با این وصف همه

ضعفها پوشیده می شود، یعنی شما می گوئید در کل ساختار کشور یک نقصی وجود دارد بعد صورت مسئله پاک می شود. اما بحث ما صرفاً درباره سازمان است یعنی این مجموعه با این امکاناتی که دارد، نمایندگیها و غیره باید توانسته باشند سهمی در تحول فرهنگی ایران داشته باشد.

خوب، حالا ببینید شاید این دستگاه تبلیغاتی اولین رسالتش اینست که خودش را بتواند درست معرفی بکند. بنظر شما هدایت پانزده هزار مبلغ در دهها مناسبیت در طول سال چقدر این ایفای نقش می کند؟

باید دید مبلغان ما بدون کمک سازمان، مناسبیت ها را پوشش نمی داده اند.

نیوده اینطوری.

یعنی اعیاد و عزاداریها به صورت سنتی

● یعنی قبل از اعزام روحانی آمار گرفتید، بعد

از حضور او هم آمار گرفتید و نتیجه این شد؟

بله قبل از آن ده نفر مسجد می آمدند الان صد نفر می آیند، قبلاً تعداد زیادی اختلافات بوده که اینها باید به دادگاه مراجعه می کردند امروز به این روحانی ها دارند مراجعه می کنند. قبلاً نسبت به احکام بسیار ضعیف بودند امروز میزان رشد احکام محسوس است. قبلاً برای جوانان کلاسهای قرآنی نبوده امروز می گوید من در طول سال صدتا جوان را آموزش روخوانی قرآن دادم اینها آماری است که می شود.

● این فعالیت شما در بخش تبلیغ سنتی، حالا

بفرمائید در سیستم پیچیده و مدرن تبلیغ که برای

شمردن بزرگ کارایی دارد چه کرده اید؟

اول بازسازی منبر، خود بازسازی منبر یک تحولی است. دوم تربیت کارشناسها برای کلاس دارای سمعی بصری. سوم استفاده از ویدئو پروژکشن برای انتقال

پیام. چهارم استفاده از فیلمها و سریالهای ساخته شده برای انتقال آن مفاهیمی که ما در نظر داریم.

● در بخش فیلم و سریال شما می توانستید با

صدا و سیما به یک ارتباط بسیاری قوی برسید الان که ما از کمبود فیلمنامه های منسجم و قوی رنج می بریم شما می توانستید با سرمایه گذاری کم این خلا را پر کنید.

بله در بحث مقوله فیلم و سریال مسئولیت کار برعهده حوزه هنری بوده که آن یک مقوله جداگانه هست یعنی الان سازمان نسبت به عملکرد حوزه هنری بحثی دارد که شورای سیاستگذاری حوزه هنری حمدالله شکل گرفته و امید می رود که بتواند یک ارتباط مناسبی را بین سازمان تبلیغات اسلامی و حوزه هنری برقرار کند و در بخش فیلم و سریال آن مقداری که بودجه و امکانات اجازه می دهد بتوانیم در راستای اهداف سازمان تحولی را بوجود بیاوریم ولی نسبت به گذشته مشکلات بین سازمان و حوزه بوده که عملاً ما پاسخگوی این بخش نمی توانیم باشیم اگر چه من معتقدم حوزه هنری با توجه به امکاناتش در گذشته از آثار بسیار خوبی

بهرخوردار بوده، ساخت چهار تا فیلم سینمایی بلند و پنجاه کوتاه، اینها و صدها برنامه های هنری از آثار عملکرد حوزه هست که بهرحال در حد وسعشان توانستند کارهای زیادی را انجام بدهند.

● این سوال هم

وجود دارد که آیا حوزه هنری تاکنون از جانب سازمان تبلیغات هدایت می شده است؟

حوزه هنری در حقیقت یک موسسه وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی است نه پیوسته، مفهوم وابسته این هست که یک هویت مستقلی دارد و کار اجرایی می کند صرفاً سیاستهای کلان و سیاستهای راهبردی را سازمان تبلیغات اسلامی باید تعیین می کرد و در واقع برنامه های کلی اوضاع را می بایست تأیید

با کمک مردم یا استقرار هزار کارشناس دینی در هزار مرکز دهستان به مدت دو سال با پرداخت ماهیانه متوسط چهل هزار تومان، این چقدر استفاده از امکانات است؟ یا شما بودجه ای که ما برای اوقات فراغت مصرف میکنیم نسبت به آنچه که از بخش دولتی به صورت کمک می گیریم و کمک مردم یک سوم بودجه اصلی آنرا ما بیشتر نمی توانیم مصرف بکنیم یعنی یک سوم را ما می دهیم، یک سوم را از دستگاهها و نهادها و مجموعه کمکهای مردمی می گیریم. بخش خصوصی و شرکتهای کارخانه ها و یک سوم هم از کمکهای مردمی و امکانات منطقه ای استفاده می کنیم. شما یک میلیون دینش آموزش را اگر محاسبه بکنید. در طول سال، هشت هفته با پنجهزار کارشناس طلبه با سه جلد کتاب ویژه طرح تابستانی اینها را محاسبه کنید با سیستم امروزی محاسبه کنید چقدر هزینه برمی دارد؟

● آیا با ششصد میلیون تومان می توان یک

میلیون دانش آموز را در طول دوماه با پنجهزار مبلغ یا سه جلد کتاب درسی در کل کشور این برنامه را پیاده کرد؟

محاسبه بکنید با دستگاه دیگر، ما عدد و رقم داریم ما آنچه که فعالیت می کنیم، عینی است حقیقی است واقعی است و این در واقع بخشی از آثار و عملکرد سازمان است من از همایشهایی که شما می گویند هزینه های زیادی مصرف شده خبر ندارم. هزینه های مصرف شده در همایشهایمان بسیار اندک و بسیار کم است.

کتاب با حداقل قیمت در جهت فرهنگ سازی، ما چهار تا مؤسسه داریم قیمتی که امیرکبیر روی کتابهایش می گذارد، قیمتی که خود سوره می گذرد قیمتی که خود چاپ و نشر سازمان می گذارد - سه هزار عنوان کتاب در بخش فرهنگ دینی با متوسط پنج بار چاپ، در هر کدام و تیراژ هر نوبت چاپ سه هزار نسخه این خود یک سازمان مستقلی را می طلبد. شما میزان بودجه را فقط مقایسه کنید. بودجه آموزش روخوانی فارسی در کشورمان با بودجه آموزش روخوانی قرآن چه نسبتی دارد؟

ما برای آموزش روخوانی قرآن از همین سیصد و پنجاه میلیون تومان سالیانه که آخرین عدد و رقمی که ما اختصاص دادیم سیصد و پنجاه میلیون تومان است. تا بحال پنجاه هزار مربی قرآن تربیت کردیم یعنی این فعال کردن بخش خصوصی است.

● حالا اگر بودجه ای که انتظار دارید اختصاص

داده شود آیا یک استراتژی کلان برای ساماندهی تبلیغ دین دارید؟

- ما در حد دستگاه خودمان معتقدیم که موفقیت ما بسیار افزایش خواهد یافت. نسبت به آنچه که الان ما داریم انجام می دهیم من می گویم روستاهایی که ما روحانی گذاشتیم دو سال دارند کار می کنند با روستایی که ندارد مقایسه کنید. کاهش مواد مخدر، آلودگی به اعتیاد، کاهش اختلاف، کاهش خودکشی.

● برای این ادعا آمار هم دارید؟

بله، روستایی که روحانی یک دوره آموزش ترک اعتیاد را دیده رفته آنجا چهار نفر را، من خودم رفتم در آنجا حاضر شدم و معتاد بلند شده سخنرانی کرده گفته این آقا من را ترک اعتیاد داده و ماهی یکبار او را می برد آزمایش که ببینید واقعا این دو مرتبه وارد این موضوع شده یا نشده بهرحال روستاهایی که ما روحانی گذاشتیم میزان مراجعه مردم مسجد قابل مقایسه نیست با قبل از آن. میزان تربیت جوانان، میزان آشنایی با احکام دینی، میزان آشنایی با روخوانی قرآن میزان کاهش اختلافات خانوادگی، میزان کاهش خودکشی، میزان کاهش اعتیاد، برای ما محسوس است یعنی یک طلبه.

می کرده و بر عملکرد

حوزه نظارت می کرده به علت ابهام در نحوه اعمال سیاستگذاری و نظارت متأسفانه در سالهای اخیر کمترین هدایت و نظارت انجام گرفته. اساسنامه حوزه تصویب شده بود و در اساسنامه حوزه شورای سیاستگذاری پیش بینی شده که رئیس حوزه عضو آن و ریاست آن شورا با رئیس سازمان تبلیغات اسلامی است و ترکیبی از تعدادی چهره های کارشناس فرهنگی و صاحب نظر که آن شورا در واقع متکفل سیاستهای کلان و سیاستهای راهبردی و کاربردی موسسه بوده اخیراً شکل گرفته و ازین به بعد می توان امیدوار بود که شورا بتواند با تعیین سیاستها و نظارت بر عملکرد اولویتها و جهت گیری آینده حوزه را به سمت معیارهای ارزشی انشاء الله تعیین بکند.

● به هر حال تا امروز سیاستهای حوزه از طرف

چه کسی تعیین شده است؟

توسط خودحوزه

● چرا سازمان تا امروز نسبت به این

خودمختاری اعتراضی نکرده است؟

اعتراض کردیم اما تشکیک شدن شورای سیاستگذاری مشکلات بسیاری را پیش آورد و باعث شد خلأ ایجاد شود. حالا هم که مردم از جهت گیریهای اقتصادی حوزه نگرانند.

● هر چند درباره انحصار توزیع سیگار از جانب

حوزه حرفهای زیادی زده شده و بازتاب منفی هم

داشت اما نظر شما در این باره چیست؟

دقیقاً، حوزه هنری در راستای استفاد از هنر برای ترویج میانی ارزشی دینی پایه گذاری شده بود. در نگرش دینی هیچ گاه هدف وسیله را توجیه نمی کند. سیگار و دریافت انحصار توزیع سیگار در کشور توسط حوزه هنری هر مقدار هم سودآوری داشته باشد این در راستای اهداف حوزه هنری نبوده و در مورد تأیید سازمان تبلیغات اسلامی نبوده و نیست. اینکه آقام زم می فرمایند: ما توانسته ایم شرکت دخانیات را از ورشکستگی نجات دهیم البته شرکت دخانیات باید از آقای زم تشکر بکنند که توانسته شرکت دخانیات را از ورشکستگی نجات دهد ولی سؤال این است که مگر رسالت حوزه هنری نجات دادن شرکت دخانیات بوده که در این زمینه ایشان می فرمایند که ما موفق بودیم.

رسالت حوزه هنری نجات دادن جوانان از خطر اعتیاد و آلودگی و پرهیز دادن از فرهنگ مبتذل غربی و سوق دادن آنها به فرهنگ اصیل اسلامی بوده. نه نجات دادن شرکت دخانیات، والا در کشور ما شرکتهای زیادی هست که در آستانه ورشکستگی هستند که، اگر بنا باشد ایشان در آن زمینه وارد بشوند باید اصلاً وارد بخش اقتصاد بشوند و در حد یک وزیر به خوبی بتوانند کاری انجام بدهند نه اینکه با عنوان حوزه هنری و رسالت فرهنگی با یک چرخش صد و هشتاد درجه ای بروند وارد مقوله خرید انحصار سیگار بشوند که شرکت دخانیات را نجات بدهند.

● در پایان این مصاحبه بنده اینطور

نتیجه گیری می کنم که اگر کالاهای فرهنگی مبتذل اعم از فیلم و سی دی و غیره بازار ما را تسخیر کرده و اگر اسباب بازی کودک با طراحی و ساخت آن متعلق به فرهنگ دیگر است و اگر سینما ابزار گسترش فرهنگ دینی نیست و اگر فضای فرهنگی جامعه ما مورد هجوم افکار مختلف الحادی و غربی قرار گرفته است سازمان تبلیغات کاری از دستش بر نمی آید زیرا بودجه و امکانات ندارد.

بله البته من در یک جای دیگر عرض کردم اگر ما

دسته بندی بکنیم مشکلات بخش فرهنگ دینی را، اولین مشکل ما مشکل نگرشی است. اصلاً نگرش مدیران ما نسبت به بخش فرهنگ دینی نگرش ناقصی است. یعنی معتقدند که حکومت دینی نباید به این بخش پول بدهد و مردم پاسخگوی این بخش هستند. اولین مشکل ما همین است که رسالت دینی نسبت به جامعه دین مدار نباید بی تفاوت باشد. تصدی گری را ما قبول نداریم دولت نباید متمدنی امور تبلیغات دینی

بشود ولی پشتیبانی باید بکند. ببینید در ترکیه دولت لائیک است ولی سومین بودجه آنها بودجه فرهنگ دینی است. سازمان دیانت، در مقایسه پستهای سازمانی ما یا سازمان دیانت ترکیه نسبتش دودرصد است یعنی آنها نود و چهار هزار پست دارند و ما سه هزار، دوهزار و پانصد تا پست داریم. خوب یکی از آن، تناسب بیندیم یک حکومت لائیک با مردم مسلمان سومین بودجه اش بودجه سازمان دیانت است و با نود و چهار هزار پست سازمانی حکومت دینی با مردم دین مدار چقدر باید سرمایه گذاری بکند؟ این تقسیم بندی تقسیم بندی ناصحیحی است که دولت متولی بخش نان و آب مردم است و بخش دین را باید مردم به صورت آزاد تهیه بکنند این فاجعه است و پس اولین مشکل، مشکل نگرشی است یعنی باید دولتمردان ما متوجه بشوند که بخش فرهنگ دینی همانند بخش آموزش عالی و بخش بهداشت و درمان و بخش سوخت باید مورد پشتیبانی قرار بگیرد و حمایت شود ثانیاً دولت از بسیاری بخشهای خصوصی حمایت می کند که مثل مطبوعات، مثل کتاب، مثل فیلم، مثل جهانگردی، مثل میراث فرهنگی، مثل حج، مثل زیارت و صدها مورد دیگری که هست، دولت دارد سوبسید می دهد کمک یارانه ای می کند در بخش دین هم باید همین سرمایه گذاری را انجام بدهد پس اولین مشکل، مشکل نگرشی است. مشکل دوم مشکل ساختاری است که ساختاری که در کشور ما تعریف شده این ساختار متناسب با اهداف نظام ما نیست. سازمان تبلیغات اسلامی و نهادهای فرهنگی خارج از سیستم حکومتی قرار دارند و در حد بسیار ناچیزی به صورت قطره چکان تغذیه می شوند و این پاسخگوی نیاز انبوه بخش فرهنگ دینی نیست و بعد و مشکل سوم اینست که سازمان تبلیغات اسلامی ساز و کارش متناسب با نیاز جامعه نیست یعنی سازمان تبلیغات اسلامی تحولات عمیقی را هم در ساختارش، هم در نیروی انسانی، هم در رابطه با شیوه های برنامه هایش و هم در ارتباط با ابزار اعمال برنامه هایش باید تحولاتی در آن بوجود بیاید یکی از آن در بخش پشتیبانی و بودجه ای است واقعاً شما صحبت از سی دی می کنید در صورتیکه سازمان تبلیغات اسلامی با درخواستهای عمده ای روبروست که فقط یک بلندگو بدهد یک آمپلی فایر بدهد شما صحبت از سی دی می کنید!

حرکت بخش فرهنگ دینی با بودجه ای که دارد حرکت لاک پشتی است. در برابر سرعت تبلیغات مبتذل بین المللی که تهاجم فرهنگی که دارد کار می کند، سرعت نور دارد حرکت می کند ما با حرکت لاک پشتی نمی توانیم با آن سرعت مقابله کنیم نیاز به تحولات عمده است. هم در بخش ساختاری هم در بخش نگرشی. البته سازمان تبلیغات اسلامی هم باید خودش را متحول بکند. بخشی از برنامه های شکلی و حاشیه ای را کنار بگذارد و به بخشهای اصلی فرهنگساز بپردازد، اما با پشتوانه بسیار قویتری.

● خیلی متشکرم از اینکه در برابر تلخی

سوالات بنده حوصله به خرج دادید و در این

مصاحبه شرکت کردید.

من خیلی تشکر می کنم از تلاش مجموعه عزیزان ما
در روزنامه کیهان در عرصه آسیب شناسی جامعه در
عرصه تبیین ارزشها و حداقل تبیین خطوط انحراف در
جامعه، روزنامه کیهان نقش بسیار مهم را داشته شخص
جناب آقای شریعتمداری از چهره های بسیار ارزشمند
و قابل تقدیر و شجاع هستند در آسیب شناسی و هدایت
افکار عمومی امیدواریم که این صلابت و این متانت و
این محنتها همچنان ادامه پیدا بکند.